

سپهر **گروه تحلیل - سپهر زارعی** - روز جهانی باستان‌شناسی رویدادی سالانه برای گرامی‌داشت باستان‌شناسی، و معرفی نقش و دستاوردهای آن در جامعه‌است. این رویداد نخستین بار در سال ۲۰۱۱ به‌ایتکار مؤسسه‌ی باستان‌شناسی آمریکا و با عنوان «روز ملی باستان‌شناسی» بر گزار شد، و از سال ۲۰۱۳ با عنوان «روز جهانی باستان‌شناسی» تغییر کرد. این روز هر سال در سومین شنبه‌ی ماه اکتبر گرامی‌داشته می‌شود و امسال با شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۶) مصادف شد. اما به‌واقع «باستان‌شناسی» چیست؟

سپهر زارعی، باستان‌شناس پارینه‌سنگی حوزه‌ی خلیج‌فارس با تحلیل ساختار شناختی «باستان‌شناسی» به سرآمد نوشت: باستان‌شناسی دانش شناخت انسان و جوامع انسانی گذشته از راه مطالعه‌ی آثار و شواهد مادی برجامانده از زندگی آنان است. واژه‌ی «باستان‌شناسی» برابر‌نهادی فارسی «آر‌کنولوژی» (Archaeology) بوده که بر گرفته از دو جزء یونانی «آر‌کنو» به‌معنای «کهن» و «لوژی» به‌معنای «شناخت» است. شواهدی که باستان‌شناس بررسی می‌کند بسیار گوناگون‌اند، از ابزارهای سنگی و قطعات سفالی گرفته تا بقایای معماری، گورستان، بقایای گیاهی و جانوری، و هر آن‌چه انسان به طریقی در آن دخل و تصرف داشته، و طی سالیان باقی‌مانده‌است که آن‌ها را «مواد فرهنگی» می‌نامند. گستره‌ی زمانی این دانش، به کهن‌ترین بقایای فرهنگی حاصل از فعالیت‌های عامدانه‌ی بشر بازمی‌گردد. احتمالاً نخستین انسان ریخته‌ها، از چوب و یا استخوان درشت حیوانات برای شکستن شاخ‌وبرگ درختان، تکه‌کردن گوشت و خردکردن استخوان بقایای حیوانات‌شکارشده، دور کردن حیوانات مهاجم و یا هر خطر احتمالی استفاده می‌کردند، اما ویژگی‌های فیزیکی و ماهیت سنگ، سبب شده‌است که کهن‌ترین بقایای فرهنگی بشر، ابزارهای سنگی باشد. کهن‌ترین دست‌تراش سنگی شناخته‌شده، قدمتی نزدیک به ۳/۳ میلیون سال دارد که از محوطه‌ای باستانی در شرق آفریقا به‌دست آمده‌است. این لحظه، نقطه‌ی شروع باستان‌شناسی‌ست؛ جایی که از مطالعه‌ی زندگی نخستین جوامع شکار-گردآورنده آغاز می‌شود، به آغاز اهلی‌سازی حیوان و گیاه می‌رسد، با شکل‌گیری نخستین روستاها و گسترش روستانشینی، پیش‌دآمد شهرنشینی، رقم می‌خورد، با تشکیل حکومت‌های اولیه و نخستین امپراتوری‌ها، از دوره‌های مختلف تاریخی گذر کرده، و با عبور از دوره‌های متأخر، به بررسی زندگی بشر امروزی می‌پردازد. از این‌رو، باستان‌شناسی دانشی نیست که تنها به گذشته‌ی دور و تمدن‌های بزرگ بپردازد.

اما باستان‌شناسی تنها کاوش در تپه‌های باستانی و یافتن اشیای قدیمی نیست. هر قطعه سفال، هر ابزار سنگی، بقایای یک رج دیوار خشتی، و حتی یک دانه‌ی گیاه سوخته می‌تواند بخشی از داستانی بزرگ‌تر باشد؛ داستانی که چگونگی زیست گذشتگان را بازسازی می‌کند، این‌که چه می‌خوردند، چه می‌پوشیدند، چگونه با طبیعت پیش‌بینی‌ناپذیر کنار می‌آمدند، چطور از قلمرو خود محافظت می‌کردند، چگونه با گروه‌های انسانی پیرامون خود کنار می‌آمدند، خود را چطور می‌شناختند، و چگونه به جامعه‌ی پیچیدگی امروزی رسیدند؟ و ده‌ها و صدها پرسش‌های بی‌پاسخی که دست‌مایه‌ی پژوهش و کاوش باستان‌شناسان می‌شود. برای بازخوانی این داستان پیچیده، باستان‌شناس از دانش‌های گوناگون یاری می‌گیرد. گیاه‌باستان‌شناسی، کشت‌وکار و خوردوخوراک مردمان گذشته را بازسازی می‌کند؛ جانورباستان‌شناسی، شیوه‌های شکار و دام‌داری را روشن می‌کند؛ مطالعه‌ی بقایای انسانی از سن، تغذیه و بیماری‌های مردمان گذشته خبر می‌دهد؛ و روش‌های سالیانی، زمان تقریبی رویدادها را مشخص می‌کند. در واقع باستان‌شناس‌شناس همچون کارآگاهی، با مشاهده، کاوش، ثبت و تحلیل شواهد، قطعه‌های پراکنده‌ی بازل گذشته را کنار هم می‌گذارد. با این حال، مهم‌ترین سرخ‌و اغلب خود شیء نیست، بلکه «یافت باستان‌شناختی» آن شیء است؛ به این معنی که شیء موردنظر دقیقاًدر کجا به‌دست‌آمده، در کدام لایه‌ی باستانی، و در کنار کدام یافته‌های دیگر. برای مثال، یک ظرف سفالی در کنار اجاق یک سازه‌ی مسکونی، درون یک گور، و یا در انباری یک کارگاه صنعتی، سه داستان کاملاً متفاوت روایت می‌کند. به‌همین دلیل، کاوش باستان‌شناختی کاری تکرارناپذیر است؛ لایه‌های خاک پس از برداشته‌شدن، به حالت نخست باز نمی‌گردند و تنها ثبت‌وضبط دقیق و علمی است که اطلاعات آن‌ها را حفظ می‌کند. از این‌رو، هر شیء که بی‌ضابطه از جای خود برداشته می‌شود، بخش بزرگی از معنای خود را از دست داده‌است.

چرا باستان‌شناسی؟

برای بخش بزرگی از گذشته‌ی بشر، باستان‌شناسی تنها منبع شناخت ماست. نخستین نظام‌های نگارش حدود ۵۰۰۰ سال پیش در بین‌النهرین (عراق امروزی) و سرزمین‌های همجوار آن، از جمله شوش در جنوب‌غرب ایران، پدید آمدند، که این زمان، تاریخ‌زندگی انسان را به دوران پیش‌ازتاریخ و دوران تاریخی تقسیم کرد. از این‌رو، برای بیش از ۹۹درصد از دورانی که از ساخت نخستین ابزارهای

«سرآمد» به مناسبت روز جهانی باستان‌شناسی منتشر کرد؛

«باستان‌شناسی» شناخت گذشته در خدمت امروز

از فناوری هوشمندانه مقابله با گرما و کم‌آبی نیاکان تا علم پزشکی قانونی، زلزله و آموزش کودکان


سنگی می‌گذرد، هیچ متن نوشتاری در دست نیست و تنها شواهد مادی می‌توانند آن را روایت کنند. به‌عبارت دیگر برای دانستن آن‌چه در بازه‌ی زمانی ۳/۳ میلیون سال پیش تا ۵۰۰۰ سال پیش (آغاز نگارش و شروع دوران تاریخی) گذشته، تنها مرجع آگاهی ما، دانش باستان‌شناسی‌ست. حتی در دوران تاریخی نیز متون نوشتاری بیشتر درباره‌ی شاهان، جنگ‌ها و نخبگان‌اند؛ در حالی که باستان‌شناسی زندگی روزمره‌ی کشاورزان، صنعت‌گران، زنان و کودکان را نیز آشکار می‌کند، یعنی زندگی مردمانی که کم‌تر نامی از آنان در تاریخ‌های مکتوب آمده‌است. شناخت گذشته علاوه‌بر دانستن آن‌چه رخ‌داده، به فهم ما از انسان و جوامع امروزی کمک می‌کند. در این بین، باستان‌شناسی با فراهم آوردن چشم‌اندازی بلندمدت، چگونگی مواجهه‌ی انسان در طول هزاران سال با تغییرات اقلیمی، کمبود منابع، افزایش جمعیت، مهاجرت، جنگ، بیماری، دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌های اجتماعی را نشان می‌دهد، و به تبیین انتخاب‌هایی که منجر به حل مسئله، و یا به‌بحران ختم‌شده، می‌پردازد. باستان‌شناسی بخشی از حافظه و هویت فرهنگی جوامع است. محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی -فرهنگی، میراث مشترک نسل‌های مختلف‌اند و حفاظت از آن‌ها به معنای حفاظت از بخشی از داستان زندگی انسان است. داستانی که به فرد یا گروه مشخصی تعلق ندارد؛ بلکه متعلق به همه‌ی کسانی‌ست که در این کره‌ی خاکی زیسته‌اند، و همه‌ی آن‌هایی که بدین‌جا پای خواهند گذاشت.

باستان‌شناسی و جهان امروز

تصور رایج آن است که باستان‌شناسی تنها به کار موزه‌ها و کتاب‌های تاریخ می‌آید؛ اما روش‌ها، یافته‌ها، و داده‌های این دانش، در حل بسیاری از مسائل زیست‌انسان معاصر به‌کار گرفته می‌شود. ایران سرزمینی خشک و کم‌باران است و نیاکان ما برای زیستن در آن، فناوری‌های هوشمندانه‌ای پدید آوردند. در نواحی جنوب ایران، به‌ویژه در جزایر، سواحل و پس کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس -از هرمزگان گرفته تا بوشهر و بخش‌های از جنوب‌فارس - دانش مدیریت آب در اشکالی همچون سدها، بندها، و برکه‌ها (آب‌انبارهای سنتی) نمایان می‌شود که با گردآوری آب باران و نگهداری آن، معضل کم‌آبی و عدم دسترسی به آب مناسب را حل می‌کرده‌است. بادگیرها نیز با بهره‌گیری از جریان باد و بدون نیاز به سوخت، فضاهای مسکونی را خنک می‌کنند، که همه‌ی این‌ها، گواه سازگاری هوشمندانه‌ی مردم این سرزمین با گرما و کم‌آبی‌اند. باستان‌شناسی با مستندسازی، تاریخ‌گذاری و مطالعه‌ی چگونگی کارکرد این سامانه‌ها نشان می‌دهد کدام راه‌حل‌ها، سده‌ها پایدار مانده‌اند، چرا و چگونه؟ دانشی که در روزگار بحران آب و تغییر اقلیم، می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌ریزی‌های آینده باشد.

بقایای استخوان‌ها و دندان‌های انسانی، بایگانی ارزشمندی از تاریخ بیماری‌ها هستند. با توسعه‌ی مطالعات دی‌ان‌ای باستانی، اکنون می‌توان ردپای عوامل بیماری‌زا را در بقایای انسانی کهن دنبال کرد. همچنین مطالعه‌ی ژنوم انسان‌های باستانی نیز به کمک پزشکی

نوین آمده‌است؛ پژوهشی در سال ۱۳۹۹ نشان داد که مهم‌ترین عامل ژنتیکی خطر ابتلا به نوع شدید کووید-۱۹، از ناندنر تال‌ها به انسان امروزی به ارث رسیده‌است.

ثبت زمین‌لرزه‌ها با دستگاه‌های لرزه‌نگار تنها حدود یک سده سابقه دارد، در حالی که فاصله‌ی زمانی میان زمین‌لرزه‌های بزرگ بر روی یک گسل ممکن است به صدها یا حتی هزاران سال برسد. باستان‌شناسی با شناسایی نشانه‌های زمین‌لرزه‌های کهن در بناها و محوطه‌های باستانی مانند دیوارهای ترک‌خورده، جابه‌جاشده یا فرو رخته، و لایه‌های تخریب‌شده، می‌تواند شواهد این رخدادها را سده‌ها و حتی هزاره‌ها به عقب ببرد؛ حوزه‌ای که باستان‌لرزه‌شناسی گفته می‌شود. پژوهش‌های مفصلی با تکیه بر منابع تاریخی و بررسی‌های میدانی، پیشینه‌ی زمین‌لرزه‌های بزرگ ایران را بازسازی کرده‌اند. چنین داده‌هایی در ارزیابی خطر زمین‌لرزه، انتخاب مکان مناسب برای ساخت‌وساز، و تدوین ضوابط ایمنی به‌کار می‌آیند که برای کشوری لرزه‌خیز همچون ایران، اهمیتی حیاتی دارد.

ساخت سد، جاده، خط لوله، فرودگاه و شهرک‌های جدید با خاک‌برداری‌های گسترده همراه است و می‌تواند محوطه‌های باستانی را برای همیشه نابود کند. باستان‌شناسی نجات‌بخشی راهی برای حفاظت و صیانت از میراث کهن در کنار توسعه‌است. پیش از آغاز عملیات اجرایی، محدودده‌ی طرح بررسی و محوطه‌های ارزشمند شناسایی می‌شوند؛ سپس در صورت لزوم، طرح به‌گونه‌ای اصلاح می‌شود که آثار شناسایی‌شده در امان باشند، و یا در صورت عدم امکان تغییر طرح، پیش‌از تخریب، کاوش و مستندسازی علمی انجام می‌شود تا دست‌کم دانش نهفته در آن‌ها محفوظ بماند.

باستان‌شناسی امروز از فناوری‌های پیشرفته بهره می‌گیرد. تصاویر ماهواره‌ای، پهپادها، سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی و پوشش سه‌بعدی، و بررسی آر کثوژئوفیزیک، شناسایی و مستندسازی محوطه‌های باستانی را حتی بدون یک ضربه‌ی کلنگ باستان‌شناس، ممکن کرده‌اند. همین ابزارها برای پایش حفاری‌های غیرمجاز، ثبت آسیب‌های ناشی از جنگ و بلایای طبیعی و تهیه نسخه‌های دیجیتال از آثار در معرض خطر نیز به‌کار می‌روند، که اگر روزی اصل اثر آسیب ببیند، برای مرمت و بازسازی آن ارزشی حیاتی دارند.

روش‌های دقیق کاوش و ثبت باستان‌شناختی، امروز در پزشکی قانونی نیز به‌کار می‌روند. باستان‌شناسی قانونی با همان دقتی که یک گور باستانی کاوش می‌شود، به یافتن، بیرون آوردن و ثبت بقایای قربانیان جنایت‌ها، جنگ‌ها و بلایای طبیعی کمک می‌کند تا هویت آنان شناسایی شود. افزون‌براین، باستان‌شناسان با مستندسازی آثار و پژوهش درباره‌ی خاستگاه و پیشینه‌ی مالکیت اشیاء، به شناسایی آثار قاچاق‌شده و بازگرداندن آن‌ها به کشورهای مبدأ کمک می‌کنند؛ تلاشی که در چارچوب کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو برای مقابله با قاچاق اموال فرهنگی نیز دنبال می‌شود. محوطه‌ها و موزه‌های باستان‌شناسی از مهم‌ترین مقصدهای گردشگری فرهنگی‌اند و می‌توانند به توسعه‌ی پایدار جوامع محلی کمک کنند؛ از راهنمایان

اقتصاد

چهارشنبه- ۲۹ مهر ۱۴۰۵ - سال دوازدهم - شماره ۲۶۱۵

ایران

محلی و اقامتگاه‌های بوم‌گردی گرفته تا صنایع دستی و خوراک‌های محلی. سازمان ملل متحد نیز در دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، «تقویت تلاش‌ها برای حفاظت و پاسداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان»، را در شمار اهداف خود قرار داده‌است. مشخص است که این ظرفیت، تنها زمانی به توسعه‌ی مطلوب می‌انجامد که گردشگری بر پایه‌ی پژوهش علمی، برنامه‌ی مدیریتی، و احترام به تاب‌آوری محوطه‌ها باشد؛ در غیر این‌صورت، گردشگری بی‌برنامه خود می‌تواند به تهدیدی برای میراث فرهنگی بدل شود.

باستان‌شناسی ابزاری کارآمد برای آموزش است. کودکی که در یک کاوش شبیه‌سازی‌شده شرکت می‌کند، می‌آموزد که چگونه شواهد را ببیند، بسنجد و از آن‌ها نتیجه‌گیری کند؛ مهارتی که پایه‌ی تفکر علمی و نقادانه‌است. مشارکت‌دادن مردم محلی در پژوهش‌ها، که از آن با عنوان «باستان‌شناسی همگانی» و «باستان‌شناسی جامعه‌محور» یاد می‌شود، حس تعلق و هویت مشترک را تقویت می‌کند و مردم را به نخستین نگهبانان میراث خود تبدیل می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فعالیت میدانی باستان‌شناسی حتی می‌تواند بر بهبود سلامت روان تأثیر بگذارد. بیش از یک دهه‌است که در بریتانیا، از مشارکت در کاوش‌های باستان‌شناسی برای کمک به بازتوانی نظامیان و کهنه‌سربازان آسیب‌دیده بهره گرفته می‌شود و ارزیابی علمی، کاهش اضطراب، افسردگی و احساس انزوا را در میان شرکت‌کنندگان نشان داده‌است.

روش‌های باستان‌شناسی حتی برای شناخت جامعه امروز نیز به‌کار می‌روند. در طرحی موسوم به «پروژه‌ی زباله» که در شهر توسان آمریکا اجرا شد، پژوهشگران زباله‌های خانگی و محل‌های دفن پسماند را با روش‌های باستان‌شناختی مطالعه کردند. نتایج نشان داد که آن‌چه مردم در پرشش نامه‌ها درباره‌ی الگوی مصرف خود می‌گویند، همیشه با آن‌چه واقعاًعور می‌ریزند یکسان نیست. همچنین مشخص شد که پسماندها در محل‌های دفن، بسیار کندتر از تصور رایج تجزیه می‌شوند؛ تا آن‌جا که روزنامه‌هایی که چنددهه پیش دفن شده‌بوند، هنوز خوانا بودند. این یافته‌ها به درک بهتر مسئله‌ی پسماند و برنامه‌ریزی برای مدیریت آن کمک کرد. در این پروژه، مشخص شد که اسراف مواد غذایی یک خانواده‌ی معمولی بین ۷ تا ۱۲ درصد (به‌صورت وزن) از کل موادی است که آن‌ها استفاده می‌کنند، و مبلغی حدود ۱۱ میلیارد دلار در سال از راه زباله به‌هدر می‌رفت. نتایج این پروژه، به برنامه‌ریزی‌های غذایی، و کنترل و صرفه‌جویی انرژی از سوی دولت فدرال و شرکت‌های غذایی به‌گونه‌ای کمک کرد که هر سال دولت، شرکت‌های غذایی و مردم، میلیارد‌ها دلار در خرید و مصرف مواد غذایی صرفه‌جویی می‌کنند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که باستان‌شناسی، فقط واکنشی به کنجکاوی‌های کودکان‌ی انسان و دانشی درباره‌ی گذشته نیست؛ بلکه دانشی‌ست که با تکیه بر هزاران سال تجربه‌ی انسانی، به تصمیم‌های آگاهانه‌تر کمک می‌کند.

باستان‌شناسی، دانشی برای همه

روز جهانی باستان‌شناسی فرصتی‌ست تا این دانش از فضای تخصصی دانشگاه‌ها و موزه‌ها فراتر برود و با مردم پیوندی نزدیک‌تر پیدا کند. هر کسی، فارغ از سن و پیشینه‌ی علمی، می‌تواند با گذشته‌ی خود ارتباط برقرار کند؛ با بازدید از یک محوطه‌ی باستانی یا موزه، شناخت آثار تاریخی محل زندگی خود، شرکت در برنامه‌های آموزشی، و یا حتی پرسیدن یک پرسش ساده درباره‌ی تاریخی که پیرامونش وجود دارد، و یا پرسشی پیچده درباره‌ی سرگذشت بشر.

میراث باستان‌شناختی، منبعی تجدیدناپذیر است. هر محوطه‌ای که تخریب شود، برای همیشه از دست می‌رود و هیچ فناوری نمی‌تواند اطلاعات از دست‌رفته‌ی آن را بازیابی کند. البته که شناخت این میراث کهن، به کمک کلنگ و کمچه و قلم باستان‌شناسان میسر می‌شود، اما همگی در حفاظت از آن، سهیم بوده و مسئولیم. تخریب محوطه‌های باستانی، حفاری غیرمجاز، جابه‌جایی و خریدوفروش آثار تاریخی- فرهنگی، می‌تواند بخشی از اطلاعات جایگزین‌ناپذیر درباره‌ی گذشته را برای همیشه از میان ببرد. شاید پاسخ به یکی از هزاران پرسشی که سده‌ها و یا شاید هزاران سال ذهن بشر را به خود مشغول کرده، در تپه‌ای باستانی نهفته باشد، و با غفلتی، برای همیشه بی‌جواب بماند.